

هو العليم

ترجمه و بيان رساله حقوق امام سجاد
عليه السلام
مجلس دوم

بيانات

علامه حاج سيد محمد حسين حسيني طهراني
قدس الله سرّه

طهران، مسجد قائم، رمضان المبارک ۱۳۹۸ هـ
ق.

أعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و صلى الله على محمد و آله الطاهرين و لعنة الله على أعدائهم أجمعين

حق حاكم

و أما حقَّ سانسِكِ بِالْمَلِكِ¹ فَإِنْ تُطِيعَهُ وَ لَا تَعْصِيَهُ إِلَّا فِيمَا يُسِخِطُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ، فَإِنَّهُ لَا طَاعَةَ لِمَخْلُوقٍ فِي مَعْصِيَةِ الْخَالِقِ.

«اما حق حاکم و قدرتمندی که مدبّر امور توست، از نقطه نظر اداره امر، این است که او را اطاعت کنی و معصیت نکنی [و] مخالفتی نکنی، مگر در آنچه موجب سخط پروردگار و معصیت است.»

بنابراین، اگر تو را امر به معصیت کند، در این صورت نباید اطاعت او کنی؛ چون پیغمبر فرموده است که: **«لَا طَاعَةَ لِمَخْلُوقٍ فِي مَعْصِيَةِ الْخَالِقِ.»²** در آنجایی که اطاعت کردن از یک مخلوق، ملازم شود با معصیت خدای خالق، در آن هنگام حرام است که انسان از آن مخلوق اطاعت کند.»

حق رعیت

و أما حقَّ رَعِيَّتِكَ بِالسُّلْطَانِ فَإِنْ تَعَلَّمَ أَنَّهُمْ صَارُوا رَعِيَّتَكَ لِضَعْفِهِمْ وَ قُوَّتِكَ، فَيَجِبُ أَنْ تَعْدَلَ فِيهِمْ وَ تَكُونَ لَهُمْ كَالْوَالِدِ الرَّحِيمِ وَ تَغْفِرَ لَهُمْ جَهْلَهُمْ وَ لَا تُعَاجِلَهُمْ بِالْعُقُوبَةِ وَ تَشْكُرَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَى مَا آتَاكَ مِنَ الْقُوَّةِ عَلَيْهِمْ.

«اما حق آن افرادی که در تحت قدرت و حکومت تو زندگی می کنند و تدبیر امور آنها را تو می نمایی، این است که بدانی آنها رعیت تو شده اند؛ چون ضعیف اند و تو نسبت به آنها قوت داری، پس واجب است بر تو که در میان آنها عدالت کنی و نسبت به آنها مثل پدر رحیم و مهربان باشی.»

جهالت هایی که از آنها سر می زند، صرف نظر کنی و نادیده بگیری و در عقوبت و پاداش³ آنها عجله نکنی و پیوسته شکر خدای عزّ و جلّ را بجای بیآوری که قوه ای به تو داده و آن قوه را در راه رضای خدا و مخلوق می توانی اعمال کنی.»

حق شاگرد

و أما حقَّ رَعِيَّتِكَ بِالْعِلْمِ فَإِنْ تَعَلَّمَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ إِنَّمَا جَعَلَكَ قَبِيماً لَهُمْ فِيمَا آتَاكَ مِنَ الْعِلْمِ وَ فَتَحَ لَكَ مِنْ خَزَائِنِهِ، فَإِنْ أَحْسَنْتَ فِي تَعْلِيمِ النَّاسِ وَ لَمْ تَخْرُقْ بِهِمْ وَ لَمْ تَتَجَبَّرْ عَلَيْهِمْ زَادَكَ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ، وَ إِنْ أَنْتَ مَنَعْتَ النَّاسَ عِلْمَكَ أَوْ خَرَقْتَ بِهِمْ عِنْدَ طَلِبِهِمُ الْعِلْمَ مِنْكَ، كَانَ حَقّاً عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ يَسْلُبَكَ الْعِلْمَ وَ بَهَاءَهُ وَ يُسْقِطَ مِنْ الْقُلُوبِ مَحَلَّكَ.

«اما حق آن شاگردانی که داری و آنها را تعلیم علم می کنی [و] تو نسبت به آنها معلم هستی و آنها شاگردان تو هستند و از تو تعلّم می کنند، این است که بدانی که خدای عزّ و جلّ تو را قیّم آنها قرار داده در آن اموری که به تو عنایت کرده؛ چون آنها از نقطه نظر علم ضعیف اند و تو قوی، و تدبیر امر تربیت علمی آنها را به دست گرفته ای، بنابراین قیّم علمی آنها شده ای. و باید بدانی که خدای علیّ علیّ از خزائن علمش بر تو درهایی باز کرده است.»

بنابراین، اگر در تعلیم مردم، آنچه را که سزاوار است و حق است عمل کنی و افراط و تفریط نکنی، و از آنچه خدا فرموده است چیزی اضافه و کم نکنی و در تعلیم آنها به نحو احسن عمل کنی، و آنها را نرنجانی و متکبرانانه و متجبرانانه با آنها رفتار نکنی، خدای علیّ علیّ از فضل خود بر تو آن قدر می دهد که به حساب درنیاید.

و اما اگر تو مردم را از علم خودت محروم کنی و آنها را رد کنی، و پرده حیای آنها را پاره کنی در هنگامی که از تو طلب علم می کنند، واجب است بر خدای عزّ و جلّ اینکه آن علم را از تو برباید و بهاء و قیمت علم را از تو بگیرد و موقعیت و منزلت تو را در میان دل ها و قلوب مردم ساقط کند.»

حق همسر

و أما حقُّ الزَّوْجَةِ فَإِنْ تَعَلَّمَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ جَعَلَهَا لَكَ سَكَنًا وَ أُنْسًا، فَتَعَلَّمَ أَنَّ ذَلِكَ

1 خ.ل: بِالْمَلِكِ.

2 کتاب سلیم بن قیس هلالی، ج 2، ص 884.

3 لغت نامه دهخدا: «پاداش: مکافات، جزاء، سزا.»

نِعْمَةٌ مِّنَ اللَّهِ عَلَيْكَ فَتُكْرِمَهَا وَتَرْفُقَ بِهَا وَ إِنْ كَانَ حَقَّكَ عَلَيْهَا أَوْجِبْ، فَإِنَّ لَهَا عَلَيْكَ أَنْ تَرْحَمَهَا لِأَنَّهَا أَسِيرُكَ، وَ تَطْعِمَهَا وَ تَسْقِيَهَا وَ تَكْسُوَهَا وَ إِذَا جَهَلَتْ عَفْوَتْ عَنْهَا.

«و اما حق زن (زن تو) این است که بدانی خداوند عزّ و جلّ او را برای تو موجب سکونت، سکونت خاطر و آرامش دل و موجب انس قرار داده است. بنابراین، باید بدانی که این نعمتی است که از طرف پروردگار بر تو افاضه شده، و باید زن را گرمی بداری و با او به رفق و مدارا رفتار کنی. و اگرچه حقی که خداوند علیّی برای تو نسبت به او قرار داده، آن حق اوجب است [و] او نیز باید حقوق تو را مراعات کند، ولیکن این موجب نمی‌شود که تو حق او را مراعات نکنی؛ به‌نحو علیّی و احسن باید حقوق او را مراعات کنی. پس بنابراین، از حقوقی که آن زن بر تو دارد، این است که با او به رحمت و ملاطفت رفتار کنی، زیرا که در زیردست تو و مأمور امر توست؛ [همچنین باید] او را از غذا بخورانی، و از آشامیدنی‌ها بیاشامی، و برای او لباس و کسوه تهیه کنی و اگر احیاناً از روی جهالت کاری از او سر زد که مورد رضای تو نباشد، او را عفو کنی.»

حق مملوک

و أَمَّا حَقُّ مَمْلُوكِكَ فَإِنَّ تَعْلَمَ أَنَّهُ خَلَقَ رَبِّكَ وَ ابْنَ أَبِيكَ وَ أُمَّكَ وَ مِنْ لَحْمِكَ وَ دَمِكَ، لَمْ تَمْلِكْهُ لِأَنَّكَ صَنَعْتَهُ دُونَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لَا خَلَقْتَ شَيْئًا مِنْ جِوَارِحِهِ وَ لَا أَخْرَجْتَ لَهُ رِزْقًا، وَ لَكِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ كَفَاكَ ذَلِكَ ثُمَّ سَخَّرَهُ لَكَ وَ انْتَمَكَ عَلَيْهِ وَ اسْتَوَدَعَكَ إِيَّاهُ لِيَحْفَظَ لَكَ مَا تَأْتِيهِ مِنْ خَيْرٍ إِلَيْهِ، فَأَحْسِنْ إِلَيْهِ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ، وَ إِنْ كَرِهْتَهُ اسْتَبْدَلْتَهُ، وَ لَا تُعَذِّبْ خَلْقَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ.

«و اما حق مملوک؛ [یعنی] حق غلام و کنیزی که در تحت ملکیت تو هستند، این است که تو بدانی که آنها هم مخلوقات پروردگار تو هستند، و آنها هم فرزندان پدر تو و مادر تو هستند، و از گوشت تو و خون تو هستند؛ چون همه مخلوقات از یک پدر و مادرند. بین انسان حرّ و انسان بنده از نقطه‌نظر اینکه همه اولاد آدمند، تفاوتی نیست.

و تو او را مالک نشدی به علت اینکه او را آفریده‌ای و او را مستویاً خلق کرده‌ای و خدای عزّ و جلّ در این کار، عنوان آفرینش و صنعت نداشته است؛ و تو هیچ‌یک از اعضا و جوارح او را نیافریده‌ای، و روزی را از آسمان برای او نازل نکرده‌ای، ولیکن خدای عزّ و جلّ، تو را از همه این امور کفایت کرده و روزی او را فرستاده و او را مسخّر کرده برای تو، و تو را نسبت به او امین شمرده و امانتی را به‌دست تو داده، پس او را باید حفظ کنی و آنچه از دست تو ساخته است نسبت به او خیر و احسان کنی.

پس باید به او نیکی کنی، کما اینکه خدا به تو نیکویی کرده است. و اگر احیاناً کاری از او سر زد که مورد پسند تو نبود، او را استبدال کن؛ به یک غلام و کنیز دیگر معاوضه می‌کنی، و مبادا او را عذاب کنی! خلق خدا را عذاب نکن و لا حول و لا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ.»

حق مادر

و أَمَّا حَقُّ أُمِّكَ أَنْ تَعْلَمَ أَنَّهَا حَمَلَتْكَ حَيْثُ لَا يَحْتَمِلُ أَحَدٌ أَحَدًا، وَ أَعْطَتْكَ مِنْ ثَمَرَةِ قَلْبِهَا مَا لَا يُعْطَى أَحَدٌ أَحَدًا، وَ وَقَّتْكَ بِجَمِيعِ جِوَارِحِهَا وَ لَنْ تُشَالِ أَنْ تَجُوعَ وَ تَطْعَمَكَ وَ تَعْطَشَ وَ تَسْقِيَكَ وَ تَعْرَى وَ تَكْسُوَكَ وَ تَضْحَى وَ تَطْلُكَ وَ تَهْجَرَ النَّوْمَ لِأَجْلِكَ وَ وَقَّتْكَ الْحَرَّ وَ الْبُرْدَ لِتَكُونَ لَهَا، وَ إِنَّكَ لَا تُطِيقُ شُكْرَهَا إِلَّا بِعَوْنِ اللَّهِ وَ تَوْفِيقِهِ.

«و اما حقّ مادر تو، حقی که مادرت بر تو دارد، این است که بدانی که مادرت تو را حمل کرده، آن قسم حملی که هیچ‌کس راضی نیست دیگری را حمل کند! (از روی عشق و علاقه تو را آبستن شده و در جان خود تو را پرورش داده است، و اگر عنوان بستگی و اتصال نبود، هیچ‌وقت زن حاضر نمی‌شود یک موجود غریبی را نه ماه در شکم خود پرورش بدهد، و با هزاران نگرانی و ناراحتی توأم باشد، نه!) روی آن شدت اتصال و علاقه‌ای که به تو که فرزندش هستی داشته است، تو را در میان شکم خود حمل کرده و به تو داده از میوه دل خود، آنچه را که هیچ‌کس به دیگری نمی‌دهد؛ و تو را حفظ کرده از آفات و شرور، با تمام قوا و با تمام جوارح.

و باکی نداشته اینکه خودش گرسنه بماند و به تو غذا بخوراند، و باکی نداشته که خودش تشنه بماند و تو را سیراب کند، و خودش عریان بماند و تو را بپوشاند، و خودش در میان آفتاب باشد و تو را در زیر سایه نگه دارد، و خواب را از چشمان خود دور کند برای اینکه تو خواب راحت کنی، و تو را از سرما و گرما حفظ کرده، نه برای منفعتی که به او برسد، [بلکه] برای خودت که خودت، بوده باشی. پس بنابراین، چگونه تو طاقت داری که شکر مادرت را بجا بیاوری و از عهده زحمات او بریبایی مگر بعون الله و توفیق، به کمک خدا و عنایت پروردگار.»

حق پدر

و أَمَّا حَقُّ أَبِيكَ فَإِنَّ تَعْلَمَ أَنَّهُ أَصْلُكَ وَ أَنَّهُ لَوْلَاهُ لَمْ تَكُنْ، فَتَهْمَا رَأَيْتَ فِي نَفْسِكَ مِمَّا يُعْجِبُكَ فَاعْلَمْ أَنَّ أَبَاكَ أَصْلُ النِّعْمَةِ عَلَيْكَ فِيهِ، فَأَحْمِدِ اللَّهَ وَ اشْكُرْهُ عَلَى قَدْرِ ذَلِكَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ.

«اما حقی که پدرت بر تو دارد، این است که بدانی پدرت اصل توست، و تو نسبت به او فرع و شاخه هستی، و اگر او نبود، تو نبود. پس بنابراین، هر وقت علمی، کمالی، قدرتی [و] حسنی در خود مشاهده کردی که موجب شگفت و تعجب تو بود، بدان که آن نعمت و آن حُسن برای پدر توست که پدر تو اصل این نعمت بوده که در تو به ظهور پیوسته است. پس پیوسته حمد خدا را بجا بیاور [و] شکر خدا را بکن بر اینکه تو را از این اصل متفرّع کرده، و این شاخه را از این درخت بهره‌مند نموده است. و لا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ.»

حق فرزند

و أَمَّا حَقُّ وُلْدِكَ فَإِنَّ تَعْلَمَ أَنَّهُ مِنْكَ وَ مُضَافٌ إِلَيْكَ فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا بِخَيْرِهِ وَ شَرِّهِ وَ أَنَّكَ مَسْنُونٌ عَمَّا وُلِّيتَ [وَلِيَّتَهُ] بِهِ مِنْ حُسْنِ الْأَدَبِ وَ الدَّلَالَةِ عَلَى رَبِّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ الْمَعُونَةِ لَهُ عَلَى طَاعَتِهِ، فَاعْمَلْ فِي أَمْرِهِ عَمَلٌ مَن يَعْلَمُ أَنَّهُ مُثَابٌّ عَلَى الْإِحْسَانِ إِلَيْهِ

مُعَاقِبَ عَلِيٍّ الْإِسَاءَةِ إِلَيْهِ.

«و اما حق فرزندانست [و] حق اولادت بر تو، این است که بدانی که اولاد تو از تو هستند، و نسبت به تو دارند در این دنیا، چه خیری به آنها برسد و چه شری به آنها برسد، چه خوب باشند یا بد باشند؛ مال تو هستند و نسبت با تو دارند. و تو مسئولی از آن ولایتی که خدا به تو داده نسبت به آنها، از اینکه ادب آنها را نیکو کنی، و تربیت آنها را براساس صحیح قرار بدهی، و آنها را دلالت بر خدای، پروردگارشان عزوجل بنمایی، و به معلم و معارف دینی آشنا کنی، و آنها را در راه طاعت خدا کمک کنی. پس عمل کن در امورات آنها، عمل کسی که بداند اگر به آنها احسان کند مورد ثواب خدا واقع خواهد شد، و اگر به آنها احسان نکند و اسائه [و] بدی کند، مورد عقاب و عذاب خدا واقع خواهد شد.»

حق برادر

وَأَمَّا حَقُّ أُخِيكَ فَإِنَّ تَعْلَمَ أَنَّهُ يَدُكَ وَ عِزُّكَ وَ قُوَّتُكَ، فَلَا تَتَّخِذْهُ سِلَاحًا عَلَيَّ مَعْصِيَةَ اللَّهِ وَ لَا عُدَّةً لِلظُّلْمِ لِخَلْقِ اللَّهِ، وَ لَا تَدْعُ نَصْرَتَهُ عَلَيَّ عَدُوَّهُ وَ النَّصِيحَةَ لَهُ، فَإِنَّ أَطَاعَ اللَّهَ وَ إِلَّا فَلْيَكُنِ اللَّهُ أَكْرَمَ عَلَيْكَ مِنْهُ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ.¹

«اما حق برادرت بر تو، این است که بدانی آن برادر، دست توست و عزت توست و قوت توست. او را سلاح و حربه برای معصیت خدا قرار نده که از قدرت و عزتی که دارد استفاده کنی، و به آن قوت و عزت متکی بشوی و او را مانند سلاحی که انسان با آن سلاح به جنگ می‌رود، آن سلاح را دست‌گیری و به جنگ خدا بروی و معصیت خدا انجام بدهی. و آن برادرت را زمینه و مقدمه برای ظلم نسبت به احدی از مخلوقات خدا قرار نده و در ربودن حقوق محرومین به قدرت برادرت اتکا نکن.»

و دیگر آنکه برادرت را از یاری دریغ منما؛ هر وقتی که دشمنی دارد، او را بر علیه دشمنش یاری کن.

و دیگر آنکه او را در تمام امور نصیحت کن و اندرز بده. اگر خدای علیّ را اطاعت کرد، چه بهتر، و اگر اطاعت نکرد، خداوند علیّ را گرامی‌تر است بر تو نسبت به او. امرش به‌سوی خداست. و لا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ.»

إِنْ شَاءَ اللَّهُ بَقِيَّةُ هَذِهِ الْحَدِيثِ شَرِيفٌ لِلرَّسُولِ

روزهای دیگر.

صلواتی ختم کنید.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

¹ مکارم الأخلاق، ص 420 - 421.